

طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی

دکتر تقی آزادارمکی*

چکیده

بحث و بررسی در مورد ارزشهای اجتماعی در ایران از دودهم گذشته مطرح بوده است. عده ای معتقد به غلبه ارزشهای مادی بر فرامادی و عده ای برعکس، مدعی غلبه ارزشهای فرامادی بر مادی هستند. هدف اصلی این مقاله پاسخ به این پرسش است که ارزشهای اجتماعی در ایران چگونه اند: مادی، فرامادی یا تلفیقی؟ برای روشن ساختن موضوع و داورینها، ضمن تکیه بر نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت، از داده‌های طرح ارزشهای جهانی که طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ ه. ش در ایران انجام شده، استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده جهت‌گیری تلفیقی ارزشی در جامعه است. با وجود اینکه ارزشهای جوانان متفاوت از ارزشهای گروه‌های مسن‌تر است، ولی تفاوتها صورت قطبی ندارد. به عبارت دیگر، در نگاه کلی، ارزشهای اجتماعی جامعه ایرانی تلفیقی تا مادی یا فرامادی صرف است.

واژگان کلیدی

تغییرات فرهنگی، مدرنیته ایرانی، ارزشهای تلفیقی، ارزشهای مادی و فرامادی.

مقدمه

تغییر و تحولات فرهنگی طی دهه‌های اخیر در ایران به‌طور خاص پس از انقلاب اسلامی، نشان از تحول اساسی در ساختار نظام ارزشی و دینی دارد. وقوع تحولات و تغییرات فرهنگی - اجتماعی ناشی از تغییر و جابه‌جایی در زمینه‌های جمعیتی و ساختاری در جامعه است. تراکم

* استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

جمعیتی در مرحله اول موجب به صحنه آمدن خیل عظیمی از جوانان در جامعه شده و در نهایت، با جابه‌جایی نیروهای فعال جامعه، تحول ساختاری در نظام اجتماعی صورت گرفته است. اصلی‌ترین نیروی فعال که در شرایط جدید متحول شده و از وضعیت کهن خود خارج شده، جوانان و ارزشها هستند. جامعه در اثر این جابجایی دچار تحولات عمده ساختاری گردیده است.

در واقع، جوانان به عنوان نیروی تعیین‌کنندگی در جامعه و در مقابل تا حدودی به حاشیه رفتن دیگر نیروها، موجبات بازسازی و استفاده از ظرفیت دوباره تکمیلی خود را فراهم آورده است. بنابراین، می‌توان قضاوت کرد که تغییر و تحول با اهمیت یافتن نیروی اجتماعی خاص همواره در طول تاریخ با زندگی اجتماعی عجین بوده و توجه متفکران اجتماعی مختلف را به خود جلب کرده است؛ به شیوه‌ای که بررسی دگرگونی‌های ارزشی جوانان در جامعه، یکی از عناصر کلیدی نظام فرهنگی جامعه به شمار می‌رود که شناخت آنها، نقش بسیاری در شناسایی تحولات فرهنگی دارد.

مطالعه تحول ارزشی، روشی برای شناخت تحولات اجتماعی عمده است. می‌توان اذعان داشت که براساس تحولات ارزشی، جریان تحولات آینده در جامعه چگونه است. گرچه باید توجه داشت که تحول و دگرگونی ضرورت نیست، بلکه این امر منجر به دوام و استمرار نظام اجتماعی می‌شود و در بازگشت اجتماعی و پویایی جامعه کمک می‌کند. پس در هر جامعه، نگاه علمی به بررسی نظام ارزشی و مسائل آن در سطوح ملی حاکی از اهمیت این موضوع است، چراکه ارزشها به مثابه پدیده‌هایی اجتماعی، یکی از مشخصه‌های مهم جوامع هستند که ساختار فرهنگی را شکل می‌دهند و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و...، تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت دارند.

تحول ارزشی، مسائل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیروی محرکه اصلی بسیاری از جنبشها شده است. از این گذشته، به نظر می‌رسد خیزش فرامادگیری به تنهایی جنبه‌ای از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی است که به گرایشهای مذهبی، نقشهای جنسیتی، هنجارهای جنسی و فرهنگی جوامع غرب، شکل نوینی بخشیده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳).

به نظر اینگلهارت، ارزشهای فرامادی بازتاب وجود امنیت در طی شکل‌گیری شخصیت فرد است. براساس این فرض، در کشورهایی که به طور نسبی ثبات اقتصادی، نیروهای دفاعی قوی، آهنگ سریع اقتصادی، نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم باشد، به تدریج افراد به سمت مشارکتهای اجتماعی، آزادی بیان، زیباسازی شهرها و ایجاد جوامع انسانی و عقلانی گرایش می‌یابند که قرار گرفتن در این فضای ارزشی، نوید تغییرات اساسی را در هنجارهای دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را می‌دهد که می‌توان منتظر شکاف نسلی در بین افراد جامعه بود.

با عنایت به چهارچوب نظری اینگلهارت و شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران در قبل و بعد از انقلاب، به‌ویژه وضعیت رشد و توسعه اقتصادی و انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ه. ش و بروز جنگ تحمیلی، پیش‌بینی می‌شود وضعیت تحولات فرهنگی دچار چالش و تغییرات اساسی شده است. در مقاله حاضر، کوشش شده است تا جهت تغییرات فرهنگی صورت‌گرفته در ایران با توجه به داده‌های ارزشهای جهانی نشان داده شود. مسئله اصلی در این مقاله، با توجه به بحث تئوریک اینگلهارت و شاخصهای مطروحه از سوی او، بیان وضعیت دگرگونی ارزشی جامعه است. این وضعیت برحسب ویژگیهای فردی پاسخگویان تبیین شده و در نهایت، در جهت دستیابی به معنای خاص دگرگونی ارزشی و دینی در ایران براساس نظریه اینگلهارت هستیم. مقاله حاضر با توجه به اعتقاد به پذیرش دگرگونی در نظام ارزشی جامعه ایران، درصدد دستیابی به پاسخ مناسب به این پرسش است که: در واقع ارزشهای جامعه در ابعاد مختلف چگونه تحول یافته‌اند؟ به عبارتی، سیر و جهت ارزشها به چه سویی است؟ از طرفی، وضعیت ارزشها برحسب ویژگیها و مشخصه‌های پاسخگویان چگونه توزیع شده‌اند که بتوان متناسب با بحثهای تئوریک صورت‌گرفته، به تبیین آنها پرداخت؟

مبنای نظری دگرگونی ارزشها

نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از کشورهای مختلف و بررسیهای به‌عمل‌آمده در زمینه گرایش به ارزشهای فرامادی، باز هم مورد انتقاد و بحث برخی از

متفکران و صاحب‌نظران است. از نظر آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) بولتگن و ژاگو زینسکی (۱۹۸۵) و واندت (۱۹۹۳) به اهمیت چرخه زندگی تا دگرگونی ارزشی، هارولد د. کلازک و نیتیش دات به جنبه روش‌شناختی، و انتقادی توجه کرده‌اند. با وجود انتقادهای واردشده به نظریه اینگلهارت، همچنان نظریه تغییر ارزشی او به لحاظ ساختار جوان جامعه ایرانی قادر به توضیح جهت‌تغییرات است.

اینگلهارت و همکارانش در نظریه دگرگونی ارزشی، به جابه‌جایی از اولویتهای مادی به سمت اولویتهای فرامادی که به صورتی بالقوه، فرایندی جهانی است، اشاره دارند. این جابه‌جایی در هر کشوری که از شرایط نامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند باید روی دهد. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۸۵). اینگلهارت با اعتقاد به این استدلال که تفاوت میان اجتماعی شدن تکوینی جوانان با بزرگسالان نشان، موجب شده تا جوان‌ترها اولویت بالنسبه بالایی برای آزادی و ابراز عقیده قائل شوند، اظهار داشت که با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابه‌جایی به سوی اولویتهای ارزشی فرامادی روی خواهد داد.

نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی، پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید، به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت از ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی منجر خواهد شد. این نظریه نه تنها امکان پیش‌بینی «جهت» دگرگونی در آینده، بلکه «دامنه» این دگرگونی را که از جایگزینی نسلی انتظار می‌رود، فراهم می‌کند. جایگزینی نسلی تنها عامل تغییر ارزشی نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم دیگری نیز مطرح هستند (آبرامسون و اینگلهارت، ۱۹۸۶، ۱۹۹۲؛ اینگلهارت، ۱۹۹۵). دامنه دگرگونی که براساس جابه‌جایی جمعیت در دوره‌های کوتاه پیش‌بینی می‌شود، همواره اندک است.

اینگلهارت در تحلیل خود با تکیه بر مشاهدات زمانی از دوران پس از جنگ جهانی دوم، معتقد است که اولویتهای ارزشی مردم غرب از تأکید بر ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی، و از اولویت دادن به حیات طبیعی و ایمنی به اولویت قائل شدن برای لزوم تعلق و وابستگی به

دیگران و حق ابراز نظر و کیفیت زندگی، تحول خواهند یافت. وی در تبیین روند تحولی که پیش‌بینی کرده بود، به گسترش بی‌سابقه سطوح امنیت اقتصادی و جانی پس از جنگ اشاره می‌کند مبنای زمانی وی در زمینه این تحول به تحقق تجربیاتش در ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد و بیان می‌دارد که «ما اطمینان داریم که نسبت فرامادیون در جوامع پیشرفته در طول سالهای پیش، از اولین زمینه‌یابیهایمان در ۱۹۷۰ میلادی افزایش یافته است».

با توجه به مبنای نظری اینگلهارت که متکی بر تحول ارزشی و فرهنگی با توجه به سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی است، ما در پی شناسایی روند تغییرات ایجادشده در جامعه ایرانی در دوره معاصر همچون مسیر و نوع تغییر ایجادشده، جهت و دامنه تغییر، نیروی اجتماعی تغییر و در نهایت حاصل تغییر (ارزشهای فرامادی در مقابل مادی یا تلفیقی از ارزشهای مادی - فرامادی) هستیم.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کلیه مردان و زنان ۱۵ سال به بالای کشور ایران به جز استانهای سیستان و بلوچستان و کردستان است. داده‌ها از جامعه روستایی و شهری استانهای مختلف کشور است. با توجه به امکانات و هزینه‌ها جهت تکمیل پرسشنامه، حجم نمونه، ۲۳۰۴ نفر در سطح کشور برآورد شده که با افزایش این تعداد، به منظور جلوگیری از ریزش پرسشنامه، تعداد به ۲۵۳۰ رسیده است که متناسب با جمعیت استانهای کشور تقسیم شد.

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، براساس روش احتمالی متناسب با حجم جامعه، PPS است. شیوه دیگر، استفاده از شکل تغییر یافته نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که به نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم PPS معروف است. در این شیوه، احتمال انتخاب هر بلوک به تعداد خانواده‌های آن بستگی دارد. برای جمع‌آوری داده‌های لازم در تحقیق، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در پرسشنامه تدوین شده ۲۸۹ پرسش وجود دارد که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول شامل تعدادی پرسش درباره مناطق شهری و روستایی، استانها و موقعیت جغرافیایی پاسخگویان و نیز یک‌سری پرسش درباره وضعیت تکمیل پرسشنامه است.

دسته دوم شامل پرسشهایی در زمینه ویژگیها و مشخصات فردی و خانوادگی پاسخگویان می شود که می توان آنها را در قالب متغیرهای مستقل تحقیق قرار داد (مانند جنس، سن، وضعیت تأهل و...). دسته سوم پرسشهایی هستند که در زمینه اهداف و موضوع تحقیق که در واقع، به سنجش ارزشهای اجتماعی، دینی، سیاسی و... پاسخگویان می پردازند.

برای تجزیه و تحلیل داده های حاصله در این تحقیق، از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است؛ به گونه ای که برای توصیف یکایک متغیرها، جداول فراوانی، درصد، درصد معتبر، میانگین و انحراف معیار مورد استفاده قرار گرفته است. از طرفی، برای بررسی ارتباط میان متغیرهایی که در سطح اسمی قرار دارند از آزمونهای آمار مجذور کا (خی دو) و فی استفاده شده است. در متغیرهایی که سطح سنجش آنها ترتیبی است از آزمونهای آماری مناسب مانند گاما و مندل تائو بهره گرفته شده است. در مواردی که متغیرهای تحقیق به صورت فاصله ای و نسبی قرار داشتند از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنین، از تحلیل عامل برای بررسی بارهای عاملی و تقلیل داده ها به چند عامل کمک گرفته ایم و هر زمان که به بررسی رابطه معناداری بین متغیرهای اسمی و فاصله ای نسبی نیاز بوده است از تحلیل واریانس یک طرفه^۱ و آزمون تی استفاده کرده ایم.

فرضیات

از آنجائی که فرضیات هر تحقیق دارای منابعی است که به تدریج شکل می گیرند، در این بررسی، منابع اخذ فرضیات، نظریه اینگلهارت است و نیز برخی موارد که سعی شد در جامعه ایران بازسازی شود؛ به طوریکه می توان دو فرضیه کلی زیر را استنتاج کرد.

۱. به نظر می رسد بین ویژگیهای فردی پاسخگویان و اولویتهای ارزشی (مادی و فرامادی) رابطه معنادار وجود دارد

۲. به نظر می رسد بین گروههای سنی و اولویتهای ارزشی رابطه معنادار وجود دارد.

اینگلهارت در بررسی تحول ارزشی در مطالعه تجربی اش، معتقد است که تأکید بر امنیت

اقتصادی و جانی توأم است و دیدگاه و رفتار سیاسی کسانی که درباره این نیازهای طبیعی احساس ناامنی می‌کنند با آنهایی که درباره این نیازها احساس امنیت می‌کنند، کاملاً متفاوت است. به احتمال زیاد، گروه دوم به خواستهای غیرمادی مانند ابراز نظر، دلبستگی به دیگران و رضایت ذهنی و زیبایی شناختی اولویت بیشتری می‌دهند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که در پاسخهای به دست آمده بتوان دو قطب متضاد مادی و غیرمادی را مشاهده کرد. برای آزمون این فرضیه، اینگلهارت از تحلیل عامل استفاده کرده است. برای این تحلیل، ارزشها را به منزله متغیری مجزا با کد ۱ تا ۶ مشخص کرده است. در صورتی که ارزش مفروض به منزله دلخواه‌ترین ارزش از میان دوازده ارزش انتخاب شده باشد، کد ۱ به آن داده می‌شود، در صورتی که در مرتبه دوم قرار داشته باشد، کد ۲ به آن داده می‌شود و اگر آخر از همه قرار بگیرد، کد ۶ به آن می‌دهیم. در صورتی که گزینه در میان چهار ارزش مجموعه خودش، اولویت اول را داشته باشد، کد ۳ به آن داده می‌شود و در صورتی که در مرتبه دوم از مجموعه چهار ارزش باشد، کد ۴ به آن داده می‌شود. به ارزشهایی که ترتیب انتخاب آنها نه در پایین و نه در بالا باشد، کد ۵ داده می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۵۳). البته ما برای استفاده از روش تحلیل عامل، از روش دوم استفاده کرده‌ایم. به عبارتی، سعی شده است از طریق نرم‌افزار آماری spss از هر مجموعه چهار ارزشی، چهار متغیر بیرون آوریم؛ به گونه‌ای که اگر در هر مجموعه ارزشی، هر شاخص رتبه اول بود، کد ۳ و اگر رتبه دوم را داشت، کد ۴ و در مقابل، در صورتی که در اولویت اول و دوم نبود، بدان کد ۵ تعلق می‌گرفت. بدین ترتیب، از ۶ پرسش که از پاسخگویان خواسته می‌شد اولویت‌های اول و دوم را مشخص کنند، ۱۲ متغیر مجزا ساخته شد تا بتوان از روش تحلیل عامل با روش مؤلفه‌های اصلی استفاده کرد در واقع، هدف اینگلهارت از استفاده از این روش، این است که ارزشهای مادی با هم انتخاب شوند و از سوی دیگر، با ارزشهای فرامادی‌ای که با هم انتخاب می‌گردند، تحت نفوذ درمی‌آید. نتایج همسانی ملی - مقطعی می‌بایست به دو قطب منفی و مثبت تقسیم گردد.

اصلی‌ترین پارامتر مطرح در نظریه تغییر ارزشی اینگلهارت، ارزشهای مادی و فرامادی است. از نظر اینگلهارت، این رشته از ارزشها به ما امکان می‌دهد که مراتب نسبی دوازده خواسته مهم را به دست آوریم. از میان ارزشهای مورد نظر او، شش ارزش تأکید بر نیازهای طبیعی دارند:

«افزایش قیمت‌ها»، «رشد اقتصادی» و «اقتصاد ثابت» برای نشان دادن اهمیت امنیت اقتصادی و «حفظ نظم»، «مبارزه با جرم و جنایت» و «نیروهای دفاعی قوی» برای تعیین اهمیت امنیت جانی مطرح شدند. شش ارزش باقیمانده برای تعیین نیازهای فرامادی مختلف طرح شدند. اینگلهارت معتقد است که تأکید بر امنیت اقتصادی و جانی توأم هستند و اینکه کسانی که درباره این نیازهای طبیعی احساس ناامنی می‌کنند، دیدگاه و رفتار سیاسی کاملاً متفاوت با آنهایی دارند که درباره این نیازها احساس امنیت می‌کنند. گروه دوم، به احتمال زیادتر، به خواسته‌های غیرمادی مانند ابرازنظر، دلبستگی به دیگران و رضایت ذهنی و زیبایی‌شناختی بیشترین اولویت را می‌دهند.

بررسی تجربی

در این پژوهش، ۲۵۳۰ نفر از مردان و زنان ۱۵ سال به بالای ۲۶ استان کشور بررسی شد که نمونه تحقیق را تشکیل دادند. از این تعداد، ۱۳ درصد از استانهای گیلان، مازندران و گلستان، ۱۲/۴ درصد از استانهای شیراز و اصفهان، ۳/۵ درصد از استانهای قم و اراک، ۷/۶ درصد از استانهای زنجان، همدان و قزوین، ۶ درصد از استانهای کرمان و یزد، ۱۵/۹ درصد از استانهای آذربایجان، باختران و اردبیل، ۶ درصد از استانهای لرستان، ایلام، چهارمحال و بویراحمده، ۷/۴ درصد از استانهای هرمزگان، خوزستان و بوشهر، ۱۲/۸ درصد از استانهای خراسان و سمنان و ۱۵/۶ درصد از استان تهران هستند. از میان جمعیت نمونه تحقیق، ۱۳۶۱ نفر (۵۳/۸ درصد) را مردان و ۱۱۶۹ نفر (۴۶/۲ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند که بالغ بر ۶۰ درصد آنها، متأهل و ۳۹/۶ درصد مجرد هستند.

میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۴ سال است که حدود ۳۷/۵ درصد در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال، ۲۳/۲ درصد گروه سنی ۲۵-۳۴ سال، ۱۵/۱ درصد گروه سنی ۳۵-۴۴ سال، ۱۶/۸ درصد گروه سنی ۴۵-۵۴ سال و ۷/۵ درصد ۵۵ سال و بیشتر سن داشتند.

در بین پاسخگویان مورد مطالعه از لحاظ مقاطع تحصیلی مختلف، ۶/۹ درصد بی‌سواد بودند و ۱۸/۷ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۸/۱ درصد تحصیلات سیکل، ۲۹/۱ درصد دیپلم، ۱۱/۷ درصد فوق دیپلم و ۱۵/۶ درصد تحصیلات لیسانس و بالاتر داشتند.

وضعیت ارزشهای مادی و فرامادی در بین پاسخگویان

بررسی دوازده گانه سنخهای ارزشی با سه سؤال در یک مجموعه ارزشی چهارگانه براساس روش انتخاب اولویت‌های اول و دوم صورت گرفته است. همان‌طوری‌که در جداول زیر مشاهده می‌شود، در سؤال اول، گزینه «سطح بالایی از رشد اقتصادی»، ۵۵/۶ درصد آن را به عنوان اولویت اول انتخاب کرده‌اند که در قالب ارزشهای مادی قرار می‌گیرد. بعد از این گزینه، شاخص «افزایش حق مردم و دخالت در نحوه اداره امور» با ۲۰/۲ درصد، در مرحله دوم قرار می‌گیرد. در مقابل، در همین مجموعه ارزشی، در بین اولویتهای اولیه از انتخاب دوم، گزینه «افزایش حق مردم و دخالت در نحوه اداره امور» با ۲۹/۵ درصد وجود دارد. بعد از این گزینه، شاخص «سطح بالایی از رشد اقتصادی»، ۲۶/۳ درصد از پاسخگویان را شامل می‌شود که گزینه اول در قالب ارزشهای فرامادی و بعدی ارزشهای مادی است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مجموعه ارزشی اول

انتخاب دوم			انتخاب اول			مجموعه ارزشی چهارگانه اول
درصد معتبر	درصد	تعداد	درصد معتبر	درصد	تعداد	
۲۶/۳	۲۲/۶	۵۷۳	۵۵/۶	۵۰/۷	۱۲۸۳	سطح بالایی از رشد اقتصادی
۲۱/۶	۱۸/۶	۴۷۱	۱۶/۸	۱۵/۳	۳۸۷	مطمئن شدن از قدرت و اقتدار ملی
۲۹/۵	۲۵/۴	۶۴۲	۲۰/۲	۱۸/۴	۴۶۶	افزایش حق مردم و دخالت در نحوه اداره امور
۲۲/۵	۱۹/۴	۴۹۰	۷/۵	۶/۸	۱۷۳	زیباتر ساختن شهرها و مناطق روستا
-	۷/۷	۱۹۴	-	۵/۴	۱۳۷	بدون جواب
-	۶/۳	۱۶۰	-	۸/۷	۲۲۱	نمی‌دانم
۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	جمع

در مجموعه ارزشی چهارگانه دوم، فاصله اولویتها تا حدودی نزدیک به هم است. شاخص «استقرار نظم در جامعه» در اولویت اول قرار دارد. (۳۸/۸ درصد) و نیز شاخص «مبارزه علیه افزایش قیمتها» با ۲۴/۹ درصد در اولویت دوم قرار دارد که نماینده ارزشهای مادی است. در انتخاب دوم این مجموعه ارزشی، ۳۴/۱ درصد از پاسخگویان اولویت اول را به شاخص «مبارزه علیه افزایش قیمتها» داده‌اند و تعداد بالنسبه برابری (به ترتیب ۲۳/۹ و ۲۳/۳ درصد) در گزینه‌های «استقرار نظم در جامعه و حمایت از آزادی بیان» قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مجموعه ارزشی دوم

انتخاب دوم			انتخاب اول			مجموعه ارزشی چهارگانه دوم
درصد معتبر	درصد	تعداد	درصد معتبر	درصد	تعداد	
۲۰/۶	۲۳/۹	۵۲۰	۳۸/۸	۳۱/۵	۷۹۸	استقرار نظم در جامعه
۱۶/۱	۱۸/۸	۴۰۸	۱۹/۵	۱۵/۹	۴۰۲	دخالت دادن مردم در تصمیمات مهم دولتی
۲۹/۳	۳۴/۱	۷۴۲	۲۴/۹	۲۰/۲	۵۱۲	مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها
۲۰	۲۳/۳	۵۰۶	۱۶/۹	۱۳/۷	۳۴۷	حمایت از آزادی بیان
-	۹/۳	۲۳۵	-	۱۱/۳	۲۸۵	بدون جواب
-	۲/۷	۱۱۹	-	۷/۴	۱۸۶	نمی‌دانم
۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	جمع

نتایج بررسی مجموعه ارزشی چهارگانه سوم، حاکی از آن است که در انتخاب اول، پاسخگویان گزینه «اقتصاد باثبات» با ۵۲/۳ درصد قرار دارند. و در مرحله بعد، با فاصله زیادی، گزینه «مبارزه علیه جرم و جنایت» (۱۸/۲ درصد) قرار دارد. در انتخاب دوم این مجموعه ارزشی، ۳۶ درصد از پاسخگویان گزینه «مبارزه علیه جرم و جنایت» را عنوان کرده‌اند. همچنین، ۲۵ درصد گزینه «اقتصاد باثبات» را برگزیده‌اند که هر دو از شاخصهای ارزشهای مادی هستند.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مجموعه ارزشی سوم

انتخاب دوم			انتخاب اول			مجموعه ارزشی چهارگانه سوم
درصد معتبر	درصد	تعداد	درصد معتبر	درصد	تعداد	
۲۵	۲۱/۴	۵۴۱	۵۲/۳	۴۸/۲	۱۲۲۰	اقتصاد باثبات
۱۹	۱۶/۲	۴۱۱	۱۶/۳	۱۵	۳۸۰	پیشرفت به سوی جامعه‌ای انسانی‌تر
۲۰	۱۷/۱	۴۳۲	۱۳/۲	۱۲/۲	۳۰۹	پیشرفت به سوی جامعه‌ای که ایده‌ها بیشتر از پول اهمیت داشته باشد
۳۶	۳۰/۹	۷۸۲	۱۸/۲	۱۶/۸	۴۲۴	مبارزه علیه جرم و جنایت
-	۸/۷	۲۱۹	-	۴/۸	۱۲۲	بدون جواب
-	۵/۷	۱۴۵	-	۳	۷۵	نمی‌دانم
۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۵۳۰	جمع

سنخ ارزشی و مشخصات فردی

مطالعه رابطه دو متغیر سنخ ارزشی و جنسیت پاسخگویان با توجه به داده‌های حاصله بدین‌گونه است که ۵۵ درصد مردان و ۴۵ درصد زنان ارزشهای مادی و در مقابل، ۵۷/۸ درصد از مردان و ۴۲/۲ درصد از زنان ارزشهای فرامادی را برگزیده‌اند که با توجه به آزمون آماری، این رابطه تأیید نشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ارزشهای مادی و فرامادی در بین زنان و مردان تقریباً یکسان است. البته در بررسی دقیق‌تر این موضوع در بین افراد متأهل و مجرد، رابطه حاصله بیانگر آن است که افراد متأهل بیشتر از مجردها به ارزشهای مادی اهمیت می‌دهند (۶۳/۵ درصد در مقابل ۳۶/۵ درصد).

بررسی رابطه گروههای سنی با سنخهای ارزشی متفاوت حاکی از آن است که به تدریج که به سن افراد افزوده می‌شود، به‌طور عمده گرایش بیشتری به ارزشهای مادی نشان می‌دهند و در مقابل، جوان‌ترها (۲۴-۱۵ و ۳۴-۲۵ ساله‌ها) بیشتر ارزشهای فرامادی را برگزیده‌اند. از طرفی، روند تحصیلات نیز چنین نتیجه‌ای را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که در سنخ ارزشهای فرامادی، ۲/۷ درصد افراد بی‌سواد و در مقابل ۳۷/۶ درصد دارای تحصیلات عالی هستند که مؤید این رابطه است که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان، گرایش به فرامادیگری افزوده می‌شود.

انجام آزمون آماری درباره درآمد خانواده و سنخ ارزشی، رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد؛ گرچه اختلافات اندک نشانگر آن است که افراد کم‌درآمد مادی‌گراترند و در تمام سنخهای ارزشی، وضعیت درآمدی متوسط از همه بیشتر است.

با این عنایت، در ایران گرچه بررسی رابطه گروههای سنی با سنخ ارزشی رابطه معناداری را نشان می‌دهد (بدین معنی که جوانان در ایران گرایش فرامادیگری بیشتری نسبت به بزرگسالان دارند)، ولی مشابه یافته اینگلهارت مبنی بر اینکه فرامادیگری جوانان منجر به غیرمذهبی شدن آنها می‌شود، در ایران این نتیجه متناقض است و هیچ رابطه معناداری وجود ندارد؛ به گونه‌ای که در زمینه رابطه گروههای سنی و سنخ ارزشی با متغیرهای اهمیت به خدا، اعتقاد به خدا، اعتقاد به قیامت، مذهبی بودن و... هیچ رابطه معناداری را دال بر اینکه فرامادیگری جوانان در ایران افول گرایشهای مذهبی را به دنبال دارد، تأیید نمی‌کند. در نهایت، آنچه اینگلهارت در آخرین

تحلیلهای خود بیان داشته، این است که «رابطه میان خیزش فرامادبگری و کاهش گرایشهای مذهبی عمدتاً مشروط است و نه ذاتی؛ به طوری که علی‌رغم بی‌توجهی به این، فرامادیون بیش از مادیون درباره معنا و هدف زندگی می‌اندیشند... اگر این رو به زوال نهاده است، ضرورتاً به دلیل اوضاع جامعه پیشرفته صنعتی نیست. احتمال دارد ادیان موجود با سهل‌انگاری پیروان بالقوه، قابلیت بسیج خود را از دست داده باشد: (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۰) یا شاید جهان‌بینی بیشتر ادیان روزبه‌روز خارج از ادراکات و اولویتهای نسل جوان‌تر می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به توصیف آماری شاخصهای دوازده‌گانه ارزشهای مادی و فرامادی، در مرحله بعد، برای تبدیل آنها به سه دسته ارزشهای مادی، التقاطی و فرامادی، می‌بایست کسانی که اولویتهای اول آنها شاخصهای مادی بوده است، بعد از محاسبه کردن به ارزشهای مادی تبدیل گردد، همچنین افرادی که اولویتهای اول آنها شش شاخص فرامادی است، تبدیل به ارزشهای فرامادی گردد. از طرفی، پاسخگوییانی که در انتخاب اولویتهایشان هم دارای خواسته‌های مادی و نیز فرامادی بوده‌اند، در سنخ التقاطی قرار گیرند.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سنخ ارزشی

سنخ ارزشی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ارزشهای مادی	۷۸۱	۳۱	۴۰/۲
التقاطی	۱۰۰۷	۴۰	۵۲
ارزشهای فرامادی	۱۵۴	۶	۸
بدون پاسخ	۵۸۸	۲۳/۲	-
جمع	۲۵۳۰	۱۰۰	۱۰۰

نتایج حاصله از بررسی به عمل آمده، همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بیانگر آن است که در بین پاسخگویان، ۴۰/۲ درصد دارای ارزشهای مادی، ۵۲ درصد دارای ارزشهای

التقاطی، ۸ درصد دارای ارزشهای فرامادی هستند. گرچه حدود ۲۳/۲ درصد از افراد، پاسخ مشخصی به شاخصهای موردنظر نداده‌اند که می‌تواند هم شامل افرادی باشد که «نمی‌دانند» (به عبارتی شاخصها برای آنها مفهوم نیست) و هم شامل کسانی باشد که به گزینه «بی‌نظر» جواب داده‌اند. در مجموع، می‌توان قضاوت کرد که در بین پاسخگویان، تعداد افراد التقاطی و مادی نسبت به کسانی که ارزشهای فرامادی را برگزیده‌اند، بسیار است.



منابع

الف) منابع فارسی

- آزادارمکی، تقی (۱۳۷۴)، *بنیانهای جامعه‌شناسی*، تهران: سیم‌غ.
- آزادارمکی، تقی؛ غیاثوند، احمد (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، انتشارات آن.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویبر.
- اینگلهارت، رونالد؛ آبرامسون، پل. آر. (۱۳۷۸)، «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه شهناز شفیع‌خانی، نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
- توکلی، مهناز (۱۳۷۸)، «ارزشها: مفاهیم و ابزارهای سنجش»، نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
- دواس، دی. ال (۱۳۷۸)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۷)، *اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دات، نیتش؛ د. کلارک، هارولد (۱۳۷۸)، «سنجش تغییر ارزشها در جوامع صنعتی غربی (تأثیر بیکاری)»، ترجمه فرحناز توکلی، نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، *بررسی آگاهیهها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی، فرهنگی در ایران*، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملکی، امیر (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده با گرایشهای ارزشی نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (جامعه‌شناسی)، دانشگاه تربیت مدرس.

ب) منابع انگلیسی

- Abramson, Paul and Ronald Inglehart (1995), *Value Change in Global Perspective*, The University of Michigan Press,
- Inglehart, Ronald and Paul Abramson (1994), "Economic Security and Value Change" *American Political Science Review*, Vol 88, No 2.
- Abramson. Paul, and Ronald Inglehart (1986), "Generational Replacement and Value Change in Six West European Societies", *American Journal of Political Science*.
- Rokeach, Milton (1968), *Beliefs, Attitudes and Values*, Sossy Bass Publishers.
- Abramson, Paul and Ronald Inglehart (1992), "Generational Replacement and Value Change in Eight West European Societies", *British Journal of Political Science*.





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی